

## دکتر دیوید هاوارد، جاشوا-روت، جلسه ۱۸، Excursus، الگوهای توزیع زمین

دیوید هاوارد و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۱۸، الگوهای توزیع زمین، درسنامه است.

من همین الان با نگاه به فصل‌هایی که توزیع زمین در فصل‌های ۱۳ تا ۱۹ در آن‌هاست، نتیجه‌گیری کردم.

می‌خواستم از جزئیات آن فصل‌ها سر در بیاورم. بنابراین، سندی با عنوان «الگوهای فهرست توزیع زمین» را در دسترس قرار می‌دهم که جزئیات بسیار بیشتری در این مورد ارائه می‌دهد. اما اگر آن را دارید، می‌توانید به آن نگاهی بیندازید.

و من تا حدودی، به نکته اصلی رسیدیم، اما اگر به آنها پردازید، همانطور که در بخش قبلی کمی بررسی کردیم، خواهیم دید که بین آنها تفاوت‌هایی وجود دارد. و بنابراین، اول از همه، فهرست‌های مرزی که در مورد آنها صحبت کردیم را شامل می‌شوند. آنها شامل فهرست‌های شهری موجود در آنجا نیز می‌شوند.

آنها شامل اطلاعاتی از شهرها یا سرزمین‌هایی هستند که هنوز فتح نشده‌اند. آنها شامل داستان‌هایی از افراد یا گروه‌هایی هستند که درخواست ارث خود را می‌کنند و آن را دریافت می‌کنند، مانند کالیب یا دختران صلفحاد، یوشع. و سپس برخی الگوهای متنوع دیگر که در آنجا وجود دارد.

خب، می‌خواهم کمی خودمان را با این الگوها آشنا کنم، به برخی از آن الگوها نگاهی بیندازم، و بعد بگویم آیا نکته‌ی مهمی در آنها وجود دارد؟ خب، اولین چیزی که خواهیم گفت این است که توضیحاتی در مورد قلمرو مردمان قبایل بر اساس مرزها ارائه شده است، و همچنین شهرهایی که در آن سرزمین‌ها ساکن هستند. خب، من در سند آنجا نموداری دارم که در آن قبایل در سمت چپ فهرست شده‌اند، و ستون دوم در مورد میراث آنها، یعنی بخشی از کتاب یوشع که در مورد محل ارث بردن آنها می‌گوید، صحبت می‌کند. سپس آن بخش را برجسته می‌کند، و ستون سوم فهرست مرزهای خاص برای آن قبیله است، و ستون چهارم آیات خاصی است که در مورد فهرست شهرها صحبت می‌کند.

و خواهید دید که گاهی اوقات برای برخی از قبایل هیچ شهری ذکر نشده است. برای برخی دیگر، مانند لاوی، هیچ فهرست مرزی وجود ندارد زیرا آنها شهرها را دریافت می‌کنند، اما هیچ قلمرو مجزایی وجود ندارد. جالب اینجاست که قبیله شمعون به نوعی با قبیله یهودا مرتبط می‌شود و این در این فهرست‌ها نشان داده شده است.

در فصل ۱۹ فهرستی برای سیمئون وجود دارد که در آن شهرهایی که به ارث بردند را ذکر می‌کند، اما فهرستی از مرزهای سیمئون وجود ندارد و مشخص است که شهرهای آنها در قلمرو یهودا قرار دارند بنابراین، این موضوع در آنجا نیز وجود دارد. ثانیاً، فهرستی از شهرها و سرزمین‌هایی که هنوز فتح نشده‌اند وجود دارد و می‌بینیم که این فهرست در فصل ۱۳ برای بنی‌اسرائیل به طور کلی آغاز می‌شود.

ما در بخش قبلی به این موضوع در مورد یهودا نگاه کردیم که آنها نتوانستند یبوسیان را در پایان فصل بیرون برانند، اما گروه‌بندی دیگری از آنها در مورد منسی و افرایم و دان وجود دارد. من همچنین در نمودار دوم که در صفحه چهارم سند است، فهرست یوشع و داوران را گنجانده‌ام. بنابراین، در داوران، حتی بیشتر می‌بینید که قبایل نتوانستند آنها را بیرون برانند، و این به مردم می‌گوید که آنها قادر به انجام این کار نبودند.

بخش سومی هم هست، گروه سومی از داستان‌ها که یکی از مفسران آن را روایت‌های اعطای زمین نامیده است، که در آن داستان‌های کوچکی درباره افراد یا گروه‌هایی وجود دارد که درخواست زمین می‌کنند و به آنها زمین داده می‌شود. بنابراین، این اعطای زمین است، روایت‌های اعطای زمین، و نوعی الگو در آنجا وجود دارد. مواجهه‌ای وجود دارد که زمینه را ایجاد می‌کند، و شخصیت‌ها، و سپس گیرندگان احتمالی زمین استدلال خود را ارائه می‌دهند، درخواست خود را مطرح می‌کنند، سپس زمین اعطا می‌شود.

و سپس خلاصه‌ای از این قسمت وجود دارد، و شما آن را با کالب در فصل ۱۴، دختر کالب در واقع در فصل ۱۵ می‌بینید. نام او عکسه است. دختران صلفحاد، فصل ۱۷، که در بخش قبلی به آنها پرداخته‌ایم.

یوسف، قبایل یوسف، افرایم و منسی، وقتی که آنها با طمع گفتند ما به تعداد بیشتری نیاز داریم. و سپس لویان در واقع در فصل ۲۱ که هنوز به آنها نگاه نکرده‌ایم. و سپس الگوهای متنوع دیگری وجود دارد که به ویژه در فصل‌های ۱۸ و ۱۹ ارائه شده‌اند، چیزی شبیه به هفت قبیله آخر به طور منظم.

یه جورایی یه الگویی بینشون هست. اما چیزی که می‌خوام در پایان بگم اینه که سعی کنم ازش یه چیزی بفهمم. خب، یه چیزهایی اینجا براتون می‌خونم.

بنابراین، سوال این است که چه چیزی در الگوهای اینجا مهم است؟ و من فکر می‌کنم پاسخ‌هایی در آنجا وجود دارد. اول از همه، این فهرست‌ها قلب کتاب هستند. ما اغلب کتاب یوشع را به عنوان نبردها در نظر می‌گیریم، اما آنها فقط پنج فصل یا شش فصل، از فصل ششم تا یازدهم را اشغال می‌کنند.

فصل‌های بسیار بیشتری وجود دارد که در مورد توزیع سرزمین صحبت می‌کنند. و به نوعی، گاهی اوقات از خودم می‌پرسم، می‌دانید، چرا خدا نمی‌توانست به نویسنده یوشع الهام بخشد که چیزی شبیه به این بگوید یوشع تا ابد با خوشی زندگی کرد، می‌توانم این کار را در نیم فصل انجام دهم، و خواندن تمام این فصل‌های فهرست‌ها اینقدر طول نمی‌کشد. مخصوصاً وقتی که با خواندن کتاب مقدس بزرگ می‌شدم، خواندن این بود. فهرست‌ها واقعاً سخت بود.

اما من فکر می‌کنم دلیل اینکه این فهرست‌ها و جزئیات اینجا هستند، به یک معنا این است که این داده‌های خام، تحقق وعده‌های خدا را ثابت می‌کنند. قرن‌ها، اسرائیل به آینده چشم دوخته بود تا به اینجا برسد. و حالا که به اینجا رسیده‌ایم، فقط گفتن اینکه، خب، کار تمام شد، بیایید ادامه دهیم، کافی نیست.

بلکه، همانطور که ما خودمان به عنوان انسان انجام می‌دهیم، وقتی یک رویداد بزرگ مدت‌ها پیش بینی شده است، و به آنجا می‌رسیم و یک جشن بزرگ می‌گیریم، و بعد از آن می‌خواهیم از آن لذت ببریم، و می‌خواهیم آن را جشن بگیریم، و قبل از اینکه ادامه دهیم، صحبت را متوقف می‌کنیم. ما فقط از آن لذت می‌بریم. و بنابراین، فکر می‌کنم جزئیات این لیست‌ها برای این است که مردم آن را جشن بگیرند.

مثل این است که حتی یک کتاب خوب را که می‌خوانید، وقتی به آخرش می‌رسید، نمی‌خواهید تمام شود. می‌خواهید از آن لذت ببرید. مثلاً، به دوران مدرن فکر کنید، احتمالاً مهم‌ترین معامله تجاری که اکثر آمریکایی‌ها انجام می‌دهند خرید خانه است.

راه‌های مختلفی برای شناسایی این خانه وجود دارد. برای بعضی‌ها، ممکن است فقط به آن «محل گیلینگهام» گفته شود. آنجا جایی است که گیلینگهام‌ها زندگی می‌کنند.

برای بعضی‌ها، خانه‌ی بزرگ سفید سه طبقه‌ی نبش خیابان و ایوان بزرگش مهم است. برای بعضی دیگر جایی که توی حیاطش ظرف غذای پرندگان دارد. برای بعضی دیگر، جایی که همه‌ی آن بچه‌های خوب هستند.

برای بقیه مردم، با آدرس پستی‌اش، خیابان مپل غربی، پلاک ۳، شناخته می‌شود. بنابراین، روش‌های مختلفی برای توصیف همه اینها وجود دارد. اما از نظر قانون، روش دیگری برای توصیف آن وجود دارد.

و شامل اصطلاحاتی مانند این خواهد بود. این اصطلاحات تخیلی است، اما اگر تا به حال خانه‌ای خریده باشید و سند خانه‌تان را داشته باشید، توصیفی از ملک شما با عباراتی مانند این ارائه می‌دهد. قطعه زمین شماره ۵۶ در بلوک شماره ۲۱۲ در آپ‌تاون، پلاک ۳ ایالات متحده، گوشه جنوب شرقی خانه، بخش ۱۸ شهرک ۳۴ شمالی، محدوده ۸، شرق ششمین نصف‌النهار اصلی طبق سابقه پلاتین در فلان تاریخ، سند شماره فلان در کتاب ۴۲ پلاتس، صفحه ۲۹ در شهرستان لینکلن است.

من این را از سند خانه‌ای که سال‌ها پیش داشتیم فهمیدم. و آن زبان قطعاً برای من و فکر می‌کنم برای اکثر مردم قابل تفسیر نیست. اما وقتی زمان خرید یا فروش خانه فرا می‌رسد، بسیار مهم است که کسی آن زبان و آن زمین را بداند.

و نقشه برداران و شرکت ثبت اسناد و دیگران این را می‌دانند. و من خوشحالم که وکیلیم، حداقل شرکت نقشه برداری من، این را درک می‌کند و دقیقاً می‌داند که چیست. و به یک معنا، این فهرست‌ها در جاشوا هم تقریباً همین‌طور هستند.

و بنابراین، هر قبیله‌ای می‌تواند به این فهرست‌ها نگاه کند و بگوید، این قطعه زمین ماست. و ما مالکیت قانونی آن را داریم. این هم از بایگانی‌ها.

ثبت شده است. و این چیزی است که به ما تعلق دارد. اینها اسناد و مدارک هستند.

و من فکر می‌کنم این بخش مهمی از آن است. ما حتی ممکن است تعجب کنیم و از دریچه نظامی به این موضوع فکر کنیم، اگرچه تمرکز اصلی این نیست. اما به این فکر کنید که اسرائیل چندین لشکرکشی مختلف علیه کنعانیان انجام داده بود.

آنها خون زیادی ریخته بودند. آنها تپه‌ها و کوه‌ها و دره‌های آنجا را زیر پا گذاشته بودند. و با سرزمین کنعان پیوندهای نزدیکی داشتند.

شخصی که سابقه نظامی داشت، برایم توصیف کرد. او گفت، نقل قول می‌کنم، به سربازی که برای هر تپه و شهری، شاید خیابان به خیابان و خانه به خانه، جنگیده و در آن تپه‌ها و در آن شهرها خون ریخته و شاید دوست یا عزیزی را در نبردها از دست داده، شرط می‌بندم که جزئیات مهم هستند و باید جشن گرفته شوند. این جشن پیروزی است که به سختی به دست آمده و بهای سنگینی برای آن پرداخته شده است.

و بنابراین، آن توصیفات، چه برای ما در قرن بیست و یکم، چه برای مخاطبان اصلی واقعاً قابل فهم نباشند، قطعاً برای آنها بسیار مهم بوده‌اند. این واقعیت که خداوند کتاب مقدس را حفظ و الهام کرده است، ما را به چالش می‌کشد تا به عقب برگردیم و سعی کنیم بفهمیم که چرا این چنین بوده و چرا آنها مهم بوده‌اند.

در الگوهای که درباره‌شان صحبت کردیم، نظم و ترتیب‌هایی وجود دارد. و من فکر می‌کنم نکته خوب این است که هر قبیله‌ای می‌تواند ببیند که اینجا مرزهای ماست، اینجا شهرهای ماست، و ما درست مثل بقیه داریم قطعه زمین خودمان را دریافت می‌کنیم. و با این حال، البته، تفاوت‌هایی هم وجود دارد.

و بنابراین، در روزگار مدرن، اگر یک خانه‌ی ییلاقی ساده‌ی روستایی را در نظر بگیریم، یک خانه‌ی دو یا سه اتاقه با یک عمارت بزرگ با ده‌ها و ده‌ها اتاق، حمام و غیره بسیار متفاوت خواهد بود. و توصیف، توصیف، پیمایشی خانه‌ی کوچک در مقابل عمارت بزرگ بسیار متفاوت خواهد بود. اما همه اینها قابل توجه است.

بنابراین، ما برخی قبایل و برخی افراد را می‌بینیم که به نوعی بالاتر از دیگران قرار دارند، یهودا، منسی، افرایم، یوسف، کالب و غیره. و این نیز اهمیت آنها را تأیید می‌کند. بنابراین به نظر من با وجود نفوذناپذیری ظاهری آنها، وقتی فهرست‌های یوشع را مرور می‌کنیم، نام تک تک شهرها و شهرستان‌ها را حفظ نمی‌کنیم و به خاطر نمی‌آوریم.

اما آیا ما الگوهای را در آنجا می‌بینیم؟ می‌توانیم تشخیص دهیم که آنها در واقع هسته اصلی کتاب هستند آنها داده‌های قانونی هستند که از ادعاهای قبایل نسبت به سرزمین‌هایشان پشتیبانی می‌کنند، تجربه خدا و وفاداری خدا به آنها را تأیید می‌کنند. حس عمیقی از ریشه داشتن مردم در این سرزمین وجود دارد.

این ایده مالکیت زمین یا ریشه داشتن در زمین یکی از اساسی‌ترین اصول جامعه بشری است. ما تقریباً در هر کجای دنیا آن را می‌بینیم. و بنابراین، به نظر من در این کتاب که عمیقاً جغرافیایی‌ترین کتاب در بین تمام کتاب‌های کتاب مقدس است، با این نوع درک، این حقایق به وضوح نمایان می‌شوند.

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۱۸، الگوهای توزیع زمین، درسنامه است.